

# فقر کودکان در شهر تهران - ۱۳۹۰: (آموزش و اطلاعات)

حسین راغفر\* و فاطمه یوسفوند\*\*

تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۷/۲۰

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۷/۲۴

کودکان سرمایه انسانی هر جامعه‌ای هستند، محرومیت کودکان از امکانات رفاهی، آنها را با دشواری‌های گوناگون مواجه می‌کند که این وضعیت اسفناک در دوران بزرگسالی نیز ادامه می‌یابد. بنابراین پژوهش حاضر به بررسی فقر کودکان در شهر تهران پرداخته است.

با استفاده از داده‌های «طرح سنجش عدالت در شهر»؛ ابتدا نرخ فقر کودکان در ابعاد آموزش و اطلاعات محاسبه شده و سپس با تخمین مدل لاجیت به بررسی تأثیر متغیرهای وضعیت تحصیلات، اشتغال، سن و جنسیت سرپرست خانوار، وجود خشونت، ناامنی غذایی، فرد معتاد، معلول در خانوار و تأثیر محل سکونت جغرافیایی بر فقر کودک پرداخته شده است.

بنابر یافته‌ها بیشترین نرخ عدم حضور در مدرسه در سن ۷ تا ۱۱ سال برای منطقه ۱۸ (۱/۴ درصد)، ۱۲ تا ۱۴ سال منطقه ۱۴ (۱/۴۶ درصد)؛ ۱۵ تا ۱۷ سال منطقه ۱۷ (۳/۰۸ درصد)، ۱۷ تا ۱۸ سال منطقه ۱۷ (۱/۷۱ درصد)، همچنین ۳۱ درصد از کودکان ۴ تا ۶ سال منطقه ۱۶ در مهد کودک و پیش دبستانی ثبت نام نکرده‌اند. بیشترین نرخ شکاف آموزشی در مقطع ابتدایی (۸/۸۴ درصد) و راهنمایی (۶/۸۸ درصد)، برای منطقه ۱۵ و دبیرستان (۶/۰۶ درصد) در منطقه ۱۸ است. زن سرپرست خانوار، افزایش سن سرپرست خانوار، وجود ناامنی غذایی، خشونت و فرد معلول در خانوار از مهم‌ترین عوامل محرومیت آموزشی کودکان است. ۰/۵۲ درصد از کودکان ۷ تا ۱۸ سال جنوب تهران و ۱/۰۷ درصد از کودکان منطقه ۱۵ نیز به هیچ‌کدام از سه مؤلفه تلفن ثابت، موبایل و کامپیوتر دسترسی ندارند.

**کلیدواژه‌ها: نرخ فقر؛ آموزش؛ اطلاعات؛ کودکان**

Email: h.raghfar@alzahra.ac.ir

\* دانشیار دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا؛

\*\* کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول)؛

Email: yousefvandf@gmail.com

## مقدمه

پدیده فقر از دیرباز با انسان همراه بوده و یکی از مشکلات اساسی در جوامع و فرهنگ‌های شناخته‌شده بشری است، فقر همواره به‌عنوان مسئله جهانی مطرح بوده و ریشه‌گرفتناری‌ها و عقب‌ماندگی‌های بخش اعظم کره زمین از جمله بخش مهمی از جامعه ایران را تشکیل می‌دهد. از دیدگاه اسلام، فقر پدیده شیطانی است و مولود نامشروع آن فحشا و زشتی‌هاست؛ و در قرآن این‌گونه اشاره شده است؛ «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ» (بقره: ۲۶۸).

دلایل توجه به فقر کودکان متعدد است. کودکان گروهی از جمعیت هستند که در مقایسه با سایر گروه‌های جامعه در معرض مخاطرات بیشتری قرار دارند؛ به همین دلیل جزو گروه‌های آسیب‌پذیر هر جامعه محسوب می‌شوند. این درحالی است که این گروه نسل آینده، نیروی کار و سرمایه انسانی هر کشوری را نیز تشکیل می‌دهند؛ از این رو توجه به نیازهای اساسی آنها از جمله غذا، پوشاک، تغذیه، آموزش، اطلاعات، بهداشت و نیازهای روحی و روانی آنها اهمیت بسیاری دارد. تأمین مناسب این‌گونه نیازها می‌تواند وجود جامعه‌ای رو به رشد و شکوفا را تضمین کند. اگر کودکان در ابتدای زندگی عادی خود با فقر بزرگ شوند، احتمال اینکه در بزرگسالی نیز فقیر باشند زیاد خواهد بود. زیان‌های حاصل از فقر هنگامی بیشتر آشکار می‌شود که چرخه معیوب اجتماعی و اقتصادی، کودکانی را از زمان تولد تا بزرگسالی در دام خود بیفکند و آنها را گرفتار خود سازد (ابونوری و محمدحسینی، ۱۳۹۰: ۱۸۰).

لازم است بیان شود چون کودکان به لحاظ قانونی و اقتصادی اجازه فعالیت‌های مستقل را ندارند، موقعیت خانوادگی، عوامل ایجاد شکاف در خانواده، تعداد و جنسیت کودکان در یک خانوار و جنسیت سرپرست خانوار همراه با مسائل دیگر همه عوامل مهمی هستند که باید برای بررسی فقر کودک مورد توجه قرار گیرند (Delamonica and et al., 2006). بنابراین به لحاظ اهمیت مسئله فقر و تبعات منفی آن به‌خصوص تأثیر تعیین‌کننده روی آسیب‌های اجتماعی برای هر جامعه لازم و مفید است که دائماً و همواره مراقب شدت و گستردگی آن در جامعه باشد تا بتواند با کنترل مسئله از بروز پیامدهای منفی آن جلوگیری کند. اندازه‌گیری ابعاد فقر و پراکندگی آن میان گروه‌های مختلف اجتماعی و مناطق جغرافیایی، اولین گام در جهت شناسایی گروه‌های هدف و اتخاذ سیاست‌های مناسب در جهت کاهش فقر است؛ بنابراین این پژوهش به محاسبه نرخ فقر کودکان شهر تهران در دو بعد آموزش و اطلاعات، شناسایی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر فقر کودکان پرداخته است.

## ۱. مبانی نظری

### ۱-۱. تعاریف فقر

به دلیل طبیعت چندبعدی فقر، ارائه تعریف جامع و دقیقی از اصطلاح فقر مشکل است، بانک جهانی در گزارش سالانه خود (۲۰۰۱-۲۰۰۰)، مفهوم فقر را به گونه‌ای بسط داده که محرومیت مادی، محرومیت از آموزش و پرورش، بی‌پناهی را نیز دربرمی‌گیرد (Siaens and Wooden, 2001).

تانسند افرادی را فقیر تلقی می‌کند که منابع لازم را برای دسترسی به انواع مواد غذایی و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی نداشته باشند. از شرایط زندگی و توانایی تطبیق با محیط به طور متعارف محروم یا از حداقل تشویق و تأیید اجتماعی بی‌بهره باشند (Townsend, 1979)، به گفته وی فردی محروم است که از انواع مواد غذایی، لباس، مسکن، لوازم خانگی و سوخت و شرایط کاری، آموزشی، اجتماعی و همین طور فعالیت‌ها و امکاناتی که به صورت متعارف مورد استفاده قرار می‌گیرند محروم باشد (Ibid., 1987).

سن در مطالعات خود در سال ۱۹۸۱ اشاره کرده که همه تعاریف صورت گرفته درخصوص فقر به نوعی به محرومیت اشاره می‌کنند. البته محرومیت خود یک مفهوم نسبی است که ممکن است در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت کاملاً با هم فرق داشته باشند، به این معنی که در یک کشور در حال توسعه ممکن است فقر، محرومیت از امکانات تلقی شود که برای ادامه حیات ضروری است نظیر غذا، مسکن، دارو، درحالی‌که در کشور توسعه یافته بر محرومیت نسبی از شرایط و امکانات یک زندگی متوسط دلالت دارد.

به کار بردن عبارت فقر کودک، تخصصی بررسی کردن موضوع فقر است. بنابر نظر آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا (سیدا)؛ دختران و پسران را باید همچون افرادی دید که آمادگی شروع یک زندگی را دارند، فعال و توانا هستند و برای توسعه جامعه خود مفیدند، پس عدم توانایی کودکان در رسیدن کامل به ظرفیت‌هایشان به معنی فقر کودک است (CIDA, 2004).

مؤسسه دمکراسی آفریقای جنوبی روی حقوق کودکان، بودجه عمومی و کاهش فقر تمرکز می‌کند و در مطالعه سال ۲۰۰۰ خود با عنوان فقر کودک و بودجه «آیا کودکان از ابتدا فقیر بودند»، فقر کودک را برحسب چهار دسته از محرومیت‌ها تعریف می‌کند.

۱. درآمد و فرصت ناکافی برای کسب درآمد: به آن معنی که کودکان به دلیل کم بودن درآمد خانواده به کالاهای ضروری دسترسی ندارند.

۲. کمبود فرصت‌های توسعه انسانی: یعنی کودکان به خدمات اجتماعی و پایه‌ای نظیر بهداشت، تحصیلات و غیره دسترسی نداشته باشند.

۳. عدم امنیت اقتصادی و فیزیکی: عدم امنیت اقتصادی به نگرانی کودکان از نوسان‌های درآمد (و اشتغال) خانوارهایشان و دسترسی آنها به خدمات عمومی اشاره دارد. منظور از عدم امنیت فیزیکی سوءاستفاده از کودکان، کار کودک و نظیر اینهاست.

۴. احساس عدم قدرت: به احساس کودکانی اشاره دارد که از طرف خانواده‌هایشان مورد ظلم واقع شده‌اند و خود را از خانواده (و حتی جامعه) جدا کرده‌اند (Delamonica and et al., 2006).

دفتر نمایندگان ارشد حقوق انسانی (او‌ه‌چ‌ر)<sup>۱</sup> برای تعریف فقر از حقوق انسانی کمک می‌گیرد و فقر را نداشتن حقوق انسانی تعریف می‌کند. این تعریف بر این پایه استوار است که چون حقوق انسانی در سطح بین‌المللی از قبل تعیین شده است و قوانین آن در همه کشورها به صورت رسمی پذیرفته شده، استفاده از مفهوم آن در تعریف فقر به روشن شدن معنی کلمه فقر کمک می‌کند. بنابر بحث او‌ه‌چ‌ر فهرستی از حقوق انسانی رایج وجود دارد که عبارت‌اند از: تغذیه کافی، جلوگیری از شیوع بیماری‌های اجتناب‌ناپذیر و مرگ زودهنگام، داشتن سرپناه کافی، داشتن تحصیلات اولیه، توانایی حضور در اجتماع بدون احساس شرمندگی، توانایی امرار معاش و مشارکت در زندگی اجتماعی (OHCHR, 2002).

یونیسف فقر کودک را به‌عنوان محرومیت از خدمات اجتماعی تعریف می‌کند و فهرستی از کالاها و خدماتی که برای رفاه کودک ضروری است را در نظر می‌گیرد. طبق این تعریف، کودکانی که در فقر زندگی می‌کنند، بچه‌هایی هستند که از منابع مادی، معنوی و عاطفی لازم برای زنده ماندن، توسعه یافتن و پیشرفت کردن محروم‌اند، از حقوق خودشان آگاه نیستند، از ظرفیت‌هایشان به‌طور کامل استفاده نمی‌کنند و مثل بقیه اعضای جامعه در اجتماع مشارکت نمی‌کنند (UNICEF, 2005). به عبارت ساده‌تر، تعریف یونیسف از فقر کودک بر مبنای حقوق انسانی و البته با توجه به توافق‌نامه حقوق کودکان این‌گونه است:

فقر کودک محرومیت از خدمات و حمایت‌های مادی و اجتماعی است که برای بهزیستی کودک ضروری هستند (Minujin and et al., 2005).

## ۱-۲. رویکردهای اندازه‌گیری فقر

**روش قابلیت:** برخلاف رویکردهای تک‌بعدی روش قابلیت یک روش چندبعدی برای اندازه‌گیری فقر کودک است. بنابر نظر آمارتیا سن که قابلیت‌های فردی و آزادی منجر به نوع زندگی فرد می‌شود، روش قابلیت روش ارزشی است. این روش بر رابطه میان پایین بودن درآمد و فقر تأکید می‌کند اما فقر را به‌عنوان محرومیت از قابلیت‌های اساسی می‌بیند نه به‌عنوان کمبود درآمد و بنابراین به مجموعه عواملی که بر قابلیت‌های فردی و آزادی برای داشتن یک زندگی محترمانه تأثیر می‌گذارد توجه می‌کند. براساس این رویکرد درآمد تنها وسیله ایجاد کردن قابلیت‌ها نیست و تأثیر درآمد روی قابلیت‌های احتمالی (اتفاقی) و مشروط است؛ به عبارت دیگر افراد، جوامع و کشورها برای رسیدن به قابلیت‌های مشابه نیاز به سطوح متفاوتی از درآمد دارند (Sen, 1999).

براساس نظر لادرچی، استوارت و سایس تأثیرگذارترین فهرست از قابلیت‌های اساسی را ناسبوم<sup>۱</sup> فراهم کرده است، او تلاش می‌کند تا به منابعی که برای انسان بودن و داشتن قابلیت‌های فردی نیاز است تا هر فرد زندگی مستقل و محترمانه داشته باشد توجه کند. فهرست او شامل: ۱. زندگی: طول عمر طبیعی، ۲. سلامت: وضعیت سلامت خوب، تغذیه مناسب و مسکن، ۳. انسجام فیزیکی، ۴. احساسات: قدرت تخیل و فکر کردن بر اثر تحصیل، ۵. عواطف، ۶. حمایت از وابستگی تعاملات اجتماعی در برابر تبعیض، ۷. دیگر ابعاد برای احترام و زندگی، ۸. بازی کردن، ۹. کنترل محیط افراد، انتخاب‌های سیاسی و سرمایه مادی. از این فهرست می‌توان برای شناسایی نیازهای افراد فقیر استفاده کرد.

دلیل اصلی برای مخالفت با رویکرد قابلیت، مشکل تنظیم کردن شاخص‌های قابلیت‌های ضروری به شاخص‌های قابل اندازه‌گیری است و این مسئله استفاده از این روش را در مطالعات تجربی کم‌رنگ کرده است (Laderchi, Saith and Stewart, 2003).

**روش پولی:** این رویکرد که به‌طور گسترده برای شناسایی و اندازه‌گیری فقر استفاده می‌شود

کمترین توجه را به تفاوت فقر عمومی و فقر کودک دارد، در این روش افراد با درآمد کمتر از آستانه درآمدی فقیر محسوب می‌شوند. این رویکرد به این نکته که رفاه کودکان به عواملی غیر از بازار نیز وابسته است توجهی ندارد. به‌طور کلی دسترسی به خدمات اولیه و محیطی امن برای بازی، بیشتر به سطح ارائه خدمات محلی وابسته است تا درآمد خانوار، از این رو افراد، حتی در صورتی که از درآمد کافی برخوردار باشند، نمی‌توانند این کالاها را خریداری کنند (Minujin and et al., 2006).

روش پولی نه تنها عوامل غیردرآمدی را در بهزیستی کودکان به‌شمار نمی‌آورد بلکه از آثار غیر یکسان آن بر بچه‌ها نیز غافل است. مطالعات بی‌شماری نشان داده‌اند که در خانوارها بار فقر به‌طور نابرابر با توجه به تعصبات سنی و جنسیتی انباشته می‌شود که به‌طور نامطلوب به‌ویژه بر زنان و کودکان تأثیر می‌گذارد (Ibid.). به‌طور کلی از نظر طرفداران این روش شاخص‌های پولی به‌تنهایی نماینده خوبی برای اندازه‌گیری فقر چندبعدی هستند، در این روش فرض می‌شود افرادی که فقیر هستند همان کسانی هستند که از سوء تغذیه رنج می‌برند، از تحصیل محروم هستند و ...، اما واقعیت این است که فقر پولی اغلب سیاست‌های نامناسبی در مورد دیگر ابعاد محرومیت ارائه می‌دهد که منجر به حذف قابل توجهی از مردم فقیر در برخی مناطق یا گزارش فقر بیشتر در مناطق دیگر می‌شود (Alkire and Foster, 2007).

**روش حقوق انسانی:** فقر کودک به معنای چندبعدی آن مفهوم جدیدی است. مطالعات انجام گرفته از دهه ۱۹۸۰ به بعد درباره اندازه‌گیری فقر کودک با روش‌هایی همراه بوده است که منابع در دسترس کودک را فقط درآمد ندانسته و سایر منابع غیردرآمدی را هم در تحلیل‌ها لحاظ کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های مطالعات مذکور را می‌توان برپایی کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودکان دانست. این توافق که در ۱۹۸۹ انجام شد ۵۴ ماده را درباره حقوق کودکان به تصویب رساند که طبق ماده (۴) آن، حقوق معرفی شده در این توافق را باید تمام کشورها و تا آنجا که منابع آنها اقتضا می‌کند اجرا کنند.

بعد از این توافق بین‌المللی حقوق کودکان به رسمیت شناخته شد و همین زمینه‌ای ایجاد کرد تا روشی برای اندازه‌گیری فقر کودک براساس حقوق کودکان ارائه شود. طبق ماده (۲۷) توافق‌نامه مذکور: «والدین یا هر مسئول دیگر کودک مسئولیت اولیه در قبال او دارند و این شرایط زندگی است که برای توسعه کودک ضروری است».

پس بنابر دریافت اولیه از چنین ماده‌ای وضع زندگی کودک از کیفیت مسئولیت‌پذیری والدین او مهم‌تر است؛ اما سؤال این است که وضع زندگی کودک چه جنبه‌هایی را دربردارد؟ پاسخ به این سؤال با بررسی ماده (۲۷) روشن می‌گردد: «هر بچه‌ای باید استاندارد کافی برای زندگی در جهت توسعه فیزیکی، ذهنی، معنوی، وجدانی و اجتماعی زندگی‌اش را داشته باشد».

بنابراین وضع زندگی کودک شامل جسمش، ذهنش، اجتماعی که در آن زندگی می‌کند و فراتر از آنها محیط معنوی و وجدانی را که در آن قرار دارد می‌شود؛ به عبارت دیگر تمام این جنبه‌ها اجزای حقوق کودکان هستند.

با روشن شدن حقوق کودکان معیارهای اندازه‌گیری فقر کودک براساس این حقوق مشخص شده است (عباسیان و نسرین دوست، ۱۳۸۹: ۲۷).

این رویکرد برای کمک به توانمندسازی افراد فقیر دارای چندین ویژگی برجسته است: تأکید بر پاسخ‌گو بودن، اصول ضد تبعیض، برابری و اصل فرایندهای تصمیم‌گیری مشارکتی. درخصوص شناسایی افراد فقیر، اندازه‌گیری فقر و تحلیل آن رویکرد مبتنی بر حقوق بشر، نگاهی دارد بر حقوق ساختاری؛ به عبارت دیگر حقوقی که بدون آنها، شخص فقیر محسوب می‌شود. فهرست این حقوق می‌تواند در کشورهای مختلف متفاوت باشد، اما دفتر نمایندگان ارشد حقوق انسانی<sup>۱</sup> براساس شواهد تجربی مجموعه مشترکی از حقوق ایجاد کرده که در اکثر کشورها کاربرد دارند؛ از قبیل بهره‌مندی از تغذیه مناسب، توانایی اجتناب از شیوع بیماری و مرگ و میر زودهنگام قابل پیشگیری، بهره‌مندی از سرپناه مناسب، برخورداری از آموزش اولیه، توانایی حضور در مجامع عمومی بدون احساس شرم و خودکم‌بینی، توانایی امرار معاش، مشارکت در زندگی اجتماعی. از این فهرست می‌توان برای شناسایی فقرا، کسب اطلاعات دقیق‌تر درباره نیازهای آنان و ارزیابی میزان موفقیت استراتژی‌های کاهش فقر استفاده کرد (Minujin and et al., 2005).

از این رو در سال ۲۰۰۳، گروه تحقیقاتی دانشگاه بریستول و مدرسه اقتصاد لندن از طرف صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف) مأموریت یافتند تا در مورد فقر کودک مطالعه تجربی انجام دهند. این مطالعه اولین مطالعه علمی بود که وسعت و عمق فقر کودک را

در تمام مناطق در حال توسعه دنیا اندازه گرفت (Ibid.). مطالعه بریستول براساس حقوق کودک و تعریف فقر در کنفرانس جهانی توسعه اجتماعی که در ۱۹۹۵ برگزار شده بود پایه‌ریزی شد. در این مطالعه، شاخصی برای اندازه‌گیری فقر کودک ارائه شده که حاوی هفت متغیر است، شاخص‌ها و آستانه‌های آنها عبارت‌اند از:

۱. **محرومیت شدید غذایی:** کودکانی که قد و وزن آنها نسبت به سنشان دارای بیش از منهای سه انحراف معیار از متوسط جمعیت مرجع بین‌المللی است که به آن نارسایی شدید فیزیکی می‌گویند.

۲. **محرومیت شدید از آب سالم و کافی:** کودکانی که برای آشامیدن تنها به آب سطحی (برای مثال رودخانه) دسترسی دارند، یا در خانوارهایی زندگی می‌کنند که نزدیک‌ترین منبع آب بیش از ۱۵ دقیقه با آنها فاصله دارد.

۳. **محرومیت شدید از امکانات بهداشت محیطی:** کودکانی که در نزدیکی محل سکونت خود به سرویس بهداشتی دسترسی ندارند، به عبارت دیگر عدم دسترسی به توالت خصوصی، مشترک و یا عمومی.

۴. **محرومیت شدید بهداشتی و درمانی:** کودکانی که در برابر هیچ یک از بیماری‌ها واکسینه نشده‌اند یا کودکان کم‌سنی که اخیراً از بیماری همراه با اسهال رنج برده و هیچگونه درمان یا مشاوره پزشکی دریافت نکرده‌اند.

۵. **محرومیت شدید از سرپناه:** کودکانی که در مسکن‌های دارای بیش از ۵ نفر در هر اتاق (ازدحام شدید) یا دارای پوشش نامناسب کف (برای مثال کف گلی) زندگی می‌کنند.

۶. **محرومیت شدید آموزشی:** کودکان ۷ تا ۱۸ سال که هرگز به مدرسه نرفته‌اند و در حال حاضر نیز نمی‌روند.

۷. **محرومیت شدید اطلاعاتی:** کودکان ۳ تا ۱۸ سال که در خانه به رادیو، تلویزیون، تلفن و روزنامه دسترسی ندارند (Ibid.).

## ۲. پیشینه پژوهش

- عباسیان و نسرین دوست (۱۳۸۹)، در مقاله «فقر کودک: تعریف و تجربه‌ها» با بررسی سیر تاریخی مطالعات نظری انجام شده درباره فقر کودکان و با توجه به نتایج مطالعات تجربی و



تجربیات کشورهای درگیر موضوع به بررسی مبانی نظری فقر کودک پرداخته‌اند و این‌گونه نتیجه می‌گیرند که در تعریف فقر کودک به جای تمرکز صرف بر درآمد سرانه خانوارها، بایستی به نقض حقوق کودکان توجه شود. با چنین تعریفی نیمی از کودکان جهان در فقر به سر می‌برند و اکثر آنان در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. همچنین دختران نسبت به پسران بیشتر در معرض خطر فقر قرار دارند.

- راغفر و شیرزاد مقدم (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «سیمای فقر کودکان در شهر تهران» به ارائه تصویری از ابعاد مختلف فقر اقتصادی کودکان در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران در سال ۱۳۸۷ پرداخته‌اند. در این پژوهش ابتدا خط فقر مطلق شهری برحسب مصرف ۲۰۰۰ کیلوکالری در روز اندازه‌گیری شده، پس از شناسایی خانوارهای فقیر و ویژگی‌های شغلی سرپرست خانوار تعیین و سپس تعداد کودکان فقیر موجود در این خانوارها شمارش و نسبت کودکان فقیر به کل جمعیت کودکان محاسبه شده است. براساس یافته‌های این پژوهش بیشترین نرخ فقر کودکان در منطقه ۱۹ تهران و کمترین در منطقه ۳ است، نرخ فقر کودکان در خانوارهای دارای سرپرست خانوار فاقد تحصیلات عالی و شغل غیررسمی بیشتر است، بیشترین نرخ فقر کودکان مربوط به خانوارهای زن سرپرست فاقد تحصیلات و فعال در مشاغل غیررسمی است.

- پروژه زندگی کودکان<sup>۱</sup> (۲۰۰۴)، یک مطالعه مشارکتی بین‌المللی است که سعی کرده تمام جنبه‌های زندگی کودکان را مورد بررسی قرار دهد از جمله: ۱. دسترسی به خدمات اولیه: دسترسی به برق، آب آشامیدنی سالم و توالت، ۲. دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی اولیه و بهداشت کودکان: واکسیناسیون، شیوع بیماری‌های دوران کودکی، فاصله تا مرکز درمانی، ۳. مراقبت از کودکان و پرورش آنها، ۴. سوء تغذیه کودکان، ۵. سواد خواندن، نوشتن و حساب، ۶. کار کودک، ۷. سرمایه اجتماعی در میان جامعه. براساس نتایج ۵۶ درصد از کودکان در کشورهای در حال توسعه از یک یا تعداد بیشتری از محرومیت‌ها رنج می‌برند، کودکان روستایی و خصوصاً دختران به واسطه محرومیت‌ها در معرض آسیب می‌باشند، در اتوپیا ۲۵ درصد از خانوارها مرگ کودکان زیر پنج سالشان را گزارش کرده‌اند، نسبت بزرگی از کودکان اتوپیا علائمی از کم‌وزنی و کوتاه قدی دارند (UNICEF, 2005; UNDP, 2004; Young, 2004).

اسمیت و لاوز<sup>۱</sup> (۲۰۱۲)، در مقاله‌ای با عنوان «اندازه‌گیری فقر کودک: مشاوره برای اندازه‌گیری بهتر فقر کودک»؛ پیشنهاد می‌کنند که برای پایان دادن به فقر کودک لازم است عواملی که روی شرایط و فرصت‌های زندگی کودکان تأثیرگذار است را شناسایی کنیم. از جمله ابعادی که می‌توان در این خصوص در نظر گرفت درآمد و محرومیت مادی، بدهی غیرقابل مدیریت، مسکن نامناسب، سطح مهارت والدین، دستیابی به آموزش با کیفیت، ثبات خانواده و سلامت والدین است.

بر این اساس افرادی که در مناطق محروم زندگی می‌کنند به‌طور چشمگیری موفقیت آموزشی، نرخ اشتغال و سطح ثروت پایین‌تری دارند و این در هر دو مناطق شهری و روستایی است. مهارت والدین عامل کلیدی تعیین‌کننده مدت زمانی است که خانوار در فقر است؛ کودکانی که شکست خانوادگی را تجربه می‌کنند به احتمال بیشتری فقر در آمدی، ضعف اقتصادی، اجتماعی، بیماری‌های جسمی و مشکلات رفتاری را تجربه می‌کنند. سلامت پایین والدین پیامدهای آموزشی کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با افزایش احتمال بیکاری که فرصت‌های زندگی کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد در ارتباط است.

### ۳. شاخص‌های اندازه‌گیری فقر

شاخص‌های مختلفی برای اندازه‌گیری فقر وجود دارد، اما شاخص‌هایی که بیشترین کاربرد را دارند عبارت‌اند از: شاخص نسبت سرشمار فقر، شکاف فقر، مجذور شکاف فقر و شاخص فقر FGT.

فoster، گریر و توربک<sup>۲</sup> شاخص فقر FGT را پیشنهاد کردند که هر سه شاخص نسبت سرشمار فقر، شکاف و مجذور شکاف فقر را دربردارد، فرمول کلی این شاخص به صورت زیر است:

$$FGT_{\alpha} = \frac{1}{N} \sum_{i=1}^H (Z - Y_i/Z)^{\alpha}$$

که در آن N کل افراد، H تعداد فقرا، Z فقر و Y مقدار منبع مورد بررسی برای افراد فقیر است. این شاخص دارای پارامتر  $\alpha$  می‌باشد که درجه گریز از فقر است. اگر مقدار آن صفر

باشد بیانگر شاخص سرشمار فقر است که نشان‌دهنده این است که چه نسبتی از افراد زیر خط فقر زندگی می‌کنند و محاسبه آن به صورت ذیل است:

$$FGT_0 = \frac{H}{N}$$

اگر مقدار آن برابر با یک باشد به شاخص شکاف فقر تبدیل می‌شود:

$$FGT_1 = \frac{1}{N} \sum_{i=1}^H (Z - Y_i / Z)$$

این شاخص میانگین فاصله‌ای است که فقرا را از خط فقر جدا می‌کند.

اگر مقدار پارامتر برابر ۲ باشد شدت فقر را نشان می‌دهد:

$$FGT_2 = \frac{1}{N} \sum_{i=1}^H (Z - Y_i / Z)^2$$

ویژگی اصلی این شاخص این است که بیشترین وزن را به افراد (خانوارهایی) می‌دهد که از خط فقر فاصله بیشتری دارند، از این رو هر چه فاصله افراد یا خانوارها از خط فقر افزایش یابد، شاخص فقر فوق افزایش می‌یابد.

#### ۴. مدل لاجیت

به منظور تعیین عواملی که بر فقیر شدن کودکان تأثیر گذارند از الگوی اقتصادسنجی انتخاب دوتایی یعنی الگویی با متغیر وابسته دوتایی استفاده می‌شود.

بنابراین متغیر وابسته یک متغیر موهومی است که مقدار صفر یا یک می‌گیرد. به منظور بررسی چنین الگوهایی پیشنهاد می‌شود که از مدل‌هایی با توزیع تجمعی شامل مدل احتمال خطی، لاجیت و پروبیت استفاده شود؛ اما وجود مشکل ناهمسانی واریانس، نرمال نبودن توزیع جمله اخلاص، احتمال پیش‌بینی مقادیری خارج از محدوده صفر و یک برای متغیر وابسته و همچنین پایین بودن  $R^2$  الگوی احتمال خطی، استفاده از مدل احتمال خطی را محدود کرده است. این مشکلات موجب شده که استفاده از مدل لاجیت جهت این نوع تخمین‌هایی که متغیرهای وابسته کیفی با مقادیر صفر و یک دارند مورد توجه محققان قرار گیرد (Maalouf and Trafalis, 2011).

اگر  $P_i$  احتمال فقیر شدن باشد و مجموعه متغیرهای مستقل اثرگذار بر فقیر شدن کودک با  $X_i$  نشان داده شوند در این صورت احتمال فقیر شدن به شکل زیر خواهد بود:

$$P_i = E(Y = 1|X_i) = \beta_1 + \beta_2 X_i$$

مدل ذیل را در نظر بگیرید که:

$$P_i = E(Y = 1|X_i) = \frac{1}{1 + e^{-(\beta_1 + \beta_2 X_i)}} \quad (1)$$

که  $e$  پایه لگاریتم طبیعی است. اگر معادله (۱) را به صورت زیر بازنویسی کنیم:

$$P_i = \frac{1}{1 + e^{-Z_i}}$$

$$Z_i = \beta_1 + \beta_2 X_i$$

که در آن:

این معادله بیانگر آن چیزی است که تحت عنوان تابع توزیع تجمعی لاجستیک معروف

شده است.

در اینجا همچنان که  $Z_i$  بین  $-\infty$  و  $+\infty$  تغییر می کند  $P_i$  مقادیر خود را بین صفر و یک

اختیار خواهد کرد و به طور غیرخطی به  $Z_i$  یعنی  $(X_i)$  مربوط است.

$P_i$  نه تنها برحسب  $X$  بلکه برحسب  $\beta$ ها هم غیرخطی است این امر به معنای آن است که

روش معمول  $OLS$  دیگر برای تخمین پارامترهای مدل مذکور قابل کاربرد نیست، روشی که

براساس آن پارامترهای مورد نظر در الگوی لاجیت تخمین زده می شوند روش حداکثر

درستمایی ( $MLE$ ) است که به راحتی می توان معادله (۱) را به صورت رابطه خطی برحسب

پارامترها تبدیل کرد، اگر  $P_i$  احتمال وقوع حادثه مورد نظر باشد، در این صورت  $1 - P_i$  که

احتمال عدم وقوع آن خواهد بود به صورت زیر است:

$$1 - P_i = \frac{1}{1 + e^{Z_i}}$$

بنابراین داریم:

$$\frac{P_i}{1 - P_i} = \frac{1 + e^{Z_i}}{1 + e^{-Z_i}} = e^{Z_i}$$

$\frac{P_i}{1 - P_i}$  بیانگر میزان برتری احتمال وقوع حادثه مورد نظر بر عدم وقوع آن است.

حال اگر از معادله بالا لگاریتم طبیعی بگیریم، نتیجه زیر به دست می آید:

$$L_i = \ln\left(\frac{P_i}{1 - P_i}\right) = Z_i \\ = \beta_1 + \beta_2 X_i$$

یعنی  $L$  که لگاریتم نسبت برتری یا مزیت است نه تنها برحسب  $X$  بلکه برحسب

$\beta$  (پارامترها) هم خطی است. در بالا  $L$  به نام لاجیت معروف است و اسم مدل لاجیت به مدل‌هایی مانند مدل بالا اطلاق می‌شود (گجراتی، ۱۳۸۹: ۷۱۱-۷۰۶).

### ۵. روش پژوهش

در این پژوهش با استفاده از داده‌های «طرح سنجش عدالت در شهر»؛ گردآوری شده توسط شهرداری تهران برای سال ۱۳۹۰، در محیط نرم‌افزاری Stata 12، ابتدا نرخ فقر کودکان در دو بعد آموزش و اطلاعات به تفکیک نواحی پنج‌گانه در ۲۲ منطقه شهر تهران محاسبه شده و سپس با تخمین مدل لاجیت مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر فقر کودکان در هر بعد شناسایی شده‌اند.

### ۶. تقسیم‌بندی نواحی شهر تهران

شهر تهران از لحاظ تقسیمات شهری به پنج ناحیه تقسیم شده و هر ناحیه از چند منطقه تشکیل شده است که در مجموع ۲۲ منطقه می‌شوند، جدول ارائه شده این تقسیم‌بندی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. نواحی شهر تهران

مناطق	نواحی شهر تهران
۴۳،۲،۱	شمال
۲۰،۱۹،۱۸،۱۷،۱۶	جنوب
۱۵،۱۴،۱۳،۸	شرق
۲۲،۲۱،۹،۵	غرب
۱۲،۱۱،۱۰،۷،۶	مرکز

### ۷. متغیرهای توضیحی استفاده شده در تخمین مدل

- education\_2: تحصیلات سرپرست (اگر بی‌سواد باشد: ۱؛ در غیر این صورت: ۰)
- education\_3: تحصیلات سرپرست (اگر زیر دیپلم باشد: ۱؛ در غیر این صورت: ۰)
- employ\_1: وضعیت اشتغال سرپرست (اگر شاغل باشد: ۱؛ در غیر این صورت: ۰)
- age: سن سرپرست (سال)

- addiction\_1: اعتیاد (اگر فرد معتاد در خانوار وجود دارد: ۱؛ در غیر این صورت: ۰)
- violence\_1: خشونت (اگر در خانوار خشونت وجود دارد: ۱؛ در غیر این صورت: ۰)
- disable\_1: معلولیت (اگر فرد معلول در خانوار وجود دارد: ۱؛ در غیر این صورت: ۰)
- sex\_1: جنسیت سرپرست (اگر سرپرست خانوار زن باشد: ۱؛ در غیر این صورت: ۰)
- food\_1: ناامنی غذایی (اگر ناامنی غذایی در خانوار وجود دارد: ۱؛ در غیر این صورت: ۰)
- north: سکونت در شمال شهر تهران (بلی: ۱؛ خیر: ۰)
- south: سکونت در جنوب شهر تهران (بلی: ۱؛ خیر: ۰)
- east: سکونت در شرق شهر تهران (بلی: ۱؛ خیر: ۰)
- west: سکونت در غرب شهر تهران (بلی: ۱؛ خیر: ۰)
- تمام جدول‌های ارائه شده حاصل یافته‌های پژوهش است.

## ۸. محاسبات و تخمین مدل

### ۸-۱. آموزش

برای بررسی فقر آموزشی کودکان از دو شاخص حضور کودکان در مدرسه و شکاف آموزشی استفاده شده است. برای هر کدام از دو شاخص چهار مقطع تحصیلی یا چهار گروه سنی در نظر گرفته شده که عبارت‌اند از: مهد کودک و پیش‌دبستانی (۴ تا ۶ سال)، ابتدایی (۷ تا ۱۱ سال)، راهنمایی (۱۲ تا ۱۴ سال) و دبیرستان (۱۵ تا ۱۷ سال).

**الف) حضور کودکان در مدرسه:** فقر آموزشی را برای کودکانی که در سن تحصیل هستند و در حال حاضر مدرسه نمی‌روند نشان می‌دهد. عدم حضور در مدرسه برای هر مقطع تحصیلی (گروه سنی) درصدی از کودکان آن مقطع تحصیلی (گروه سنی) است که در مدرسه حضور ندارند. جدول‌ها و نمودارهایی که در ادامه ارائه شده نشان‌دهنده مقادیر این شاخص به تفکیک مقاطع تحصیلی برای نواحی پنج‌گانه و در ۲۲ منطقه شهر تهران است. برای ارائه تصویر کلی و مناسبی از فقر آموزشی کودکان این شاخص برای کودکان ۷ تا ۱۸ سال نیز محاسبه شده است. در جدول ۱ پیوست تعداد و درصد کودکان ۴ تا ۱۸ سال ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج عدم حضور کودکان در مدرسه به تفکیک نواحی شهر تهران

کل	مرکز	غرب	شرق	جنوب	شمال		
۱۶۰۴	۱۲۴۳	۱۷۴۳	۱۸۰۱	۱۷۹	۱۲۶۴	درصد	مهد کودک و پیش دبستانی
۵۶۷	۹۱	۱۰۶	۱۱۲	۲۰۱	۵۷	تعداد	
۵۱۳۲	۴۲۸۶	۶۰۳۸	۴۷۳۲	۵۰۷۵	۵۷۸۹	پسر	
۴۸۶۸	۵۷۱۴	۳۹۶۲	۵۲۶۸	۴۹۲۵	۴۲۱۱	دختر	ابتدایی
۰۵۷	۰۵۳	۰۱۸	۰۶	۰۹۴	۰۳۲	درصد	
۳۶	۷	۲	۷	۱۷	۳	تعداد	
۵۸۳۳	۵۷۱۴	۱۰۰	۸۵۷۱	۴۷۰۶	۳۳۳۳	پسر	راهنمایی
۴۱۶۷	۴۲۸۶	۰	۱۴۲۹	۵۲۹۴	۶۶۶۷	دختر	
۰۵۲	۰۳۲	۰۱۳	۰۸۶	۰۵۸	۰۶۴	درصد	
۲۲	۳	۱	۷	۷	۴	تعداد	دبیرستان
۵۹۰۳	۶۶۶۷	۱۰۰	۷۱۴۳	۴۲۸۶	۵۰	پسر	
۴۰۹۷	۳۳۳۳	۰	۲۸۵۷	۵۷۱۴	۵۰	دختر	
۰۴۷	۰۳۱	۰۳۷	۰۲۳	۱۰۴	۰۱۳	درصد	۷ تا ۱۸ سال
۲۲	۳	۳	۲	۱۳	۱	تعداد	
۶۳۶۴	۶۶۶۷	۶۶۶۷	۱۰۰	۵۳۸۵	۱۰۰	پسر	
۳۶۳۶	۳۳۳۳	۳۳۳۳	۰	۴۶۱۵	۰	دختر	
۰۵۵	۰۴۳	۰۲۳	۰۶۶	۰۸۷	۰۳۲	درصد	
۹۳	۱۵	۷	۲۱	۴۲	۸	تعداد	
۶۲۳۷	۶۶۶۷	۸۵۷۱	۷۶۱۹	۵۲۳۸	۵۰	پسر	
۳۷۶۳	۳۳۳۳	۱۴۲۹	۲۳۸۱	۴۷۶۲	۵۰	دختر	

یافته‌ها نشان می‌دهد بیشترین نرخ عدم حضور کودکان ۴ تا ۶ ساله در مهد کودک و پیش دبستانی مربوط به شرق تهران با ۱۸/۰۱ درصد، تعداد این کودکان ۱۱۲ نفر است که ۴۷/۳۲ درصد آنها پسر و ۵۲/۶۸ درصد دختر هستند، همچنین ۱۶/۰۴ درصد (۵۶۷ نفر) از کل کودکان ۴ تا ۶ ساله شهر تهران در مهد کودک و پیش دبستانی حضور ندارند که ۵۱/۳۲ درصد این کودکان پسر و ۴۸/۶۸ درصد دختر هستند. در مقطع ابتدایی (گروه سنی ۷ تا ۱۱ سال) بیشترین نرخ عدم حضور در ناحیه جنوب تهران با ۰/۹۴ درصد، این میزان در کل شهر تهران ۰/۵۷ درصد (۳۶ نفر) است؛ که ۵۸/۳۳ درصد این کودکان پسر و ۴۱/۶۷ درصد دختر هستند، در مقطع راهنمایی (گروه سنی ۱۲ تا ۱۴ سال) بیشترین نرخ عدم حضور در شرق تهران با ۰/۸۶ درصد، این میزان در کل شهر تهران ۰/۵۲ درصد است، تعداد آنها ۲۲ نفر؛ ۵۹/۰۳ درصد این کودکان پسر و ۴۰/۹۷ درصد آنها دختر هستند، در مقطع دبیرستان (گروه سنی ۱۵ تا ۱۷ سال)

بیشترین نرخ عدم حضور مربوط به جنوب تهران با ۱/۰۴ درصد، این نرخ در کل شهر تهران ۰/۴۷ درصد است، تعداد این کودکان ۲۲ نفر است که ۶۳/۶۴ درصد آنها پسر و ۳۶/۳۶ درصد دختر هستند. بیشترین میزان عدم حضور کودکان ۷ تا ۱۸ سال در مدرسه برای جنوب تهران با ۰/۸۷ درصد، این میزان در کل شهر تهران ۰/۵۵ درصد است، تعداد این کودکان ۹۳ نفر است که ۶۲/۳۷ درصد آنها پسر و ۳۷/۶۳ درصد دختر هستند.

جدول ۳. نتایج عدم حضور کودکان در مدرسه به تفکیک مناطق ۲۲ گانه شهر تهران

مناطق	۴ تا ۶ سال		مناطق	۷ تا ۱۱ سال		۴ تا ۶ سال		مناطق
	تعداد	درصد		تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۱	۱۳	۱۲.۸۷	۱۲	۰	۰	۰	۰	۲
۲	۱۶	۱۵.۲۴	۱۳	۱	۰.۴۸	۱۳	۱۱.۲۱	۱
۳	۱۳	۱۲.۲۶	۱۴	۲	۰.۹۷	۳۴	۲۳.۱۳	۲
۴	۱۵	۱۰.۷۹	۱۵	۰	۰	۴۴	۱۷.۶	۴
۵	۲۲	۱۵.۶	۱۶	۰	۰	۵۳	۳۱.۳۶	۳
۶	۶	۶.۷۴	۱۷	۰	۰	۴۲	۱۸.۶۷	۳
۷	۸	۶.۰۲	۱۸	۱	۰.۳۸	۴۵	۱۴.۸	۶
۸	۲۱	۱۹.۲۷	۱۹	۰	۰	۵۱	۲۵.۵	۲
۹	۳۵	۲۰.۸۳	۲۰	۱	۰.۳۶	۱۰	۴.۴۴	۳
۱۰	۲۸	۱۵.۶۴	۲۱	۲	۰.۷۱	۲۶	۱۵.۷۶	۱
۱۱	۲۲	۱۲.۱۵	۲۲	۲	۰.۷	۲۳	۱۷.۱۶	۰

یافته‌ها نشان می‌دهد؛ بیشترین نرخ عدم حضور کودکان در مهد کودک و پیش‌دبستانی (۴ تا ۶ سال) مربوط به منطقه ۱۶ با ۳۱/۳۶ درصد، تعداد این کودکان ۵۳ نفر است؛ بیشترین نرخ عدم حضور کودکان ۷ تا ۱۱ سال (مقطع ابتدایی) در مدرسه متعلق به منطقه ۱۸ با ۱/۴ درصد است که تعداد این کودکان ۶ نفر است.

براساس نتایج جدول ۲ پیوست؛ بیشترین نرخ عدم حضور کودکان ۱۲ تا ۱۴ سال (مقطع راهنمایی) در مدرسه برای منطقه ۱۴ با ۱/۴۶ درصد، تعداد این کودکان ۳ نفر است. در مقطع دبیرستان (گروه سنی ۱۵ تا ۱۷ سال) بیشترین نرخ عدم حضور در مدرسه متعلق به منطقه ۱۷ با ۳/۰۸ درصد، تعداد این کودکان ۷ نفر است.

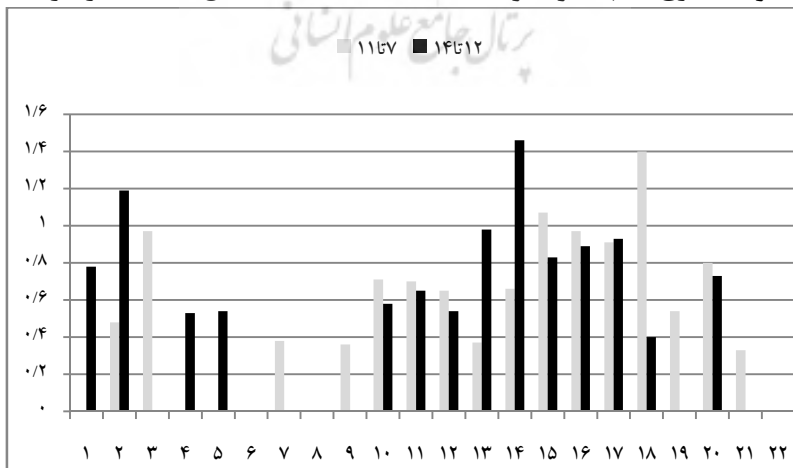


جدول ۴. نتایج عدم حضور کودکان ۷ تا ۱۸ سال در مدرسه به تفکیک مناطق ۲۲ گانه شهر تهران

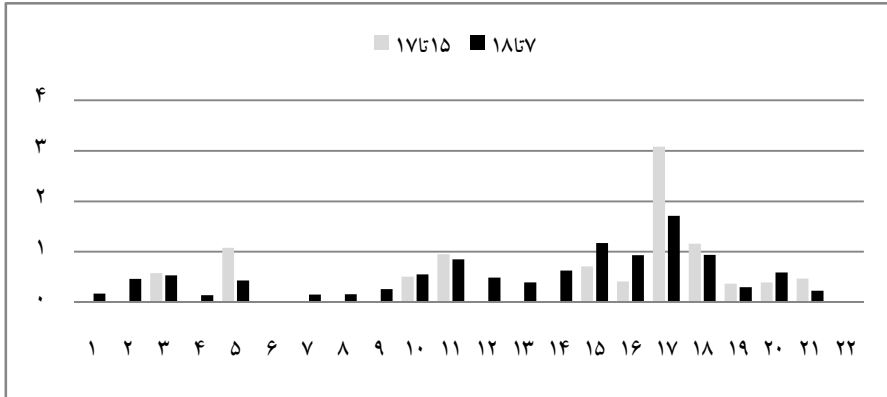
مناطق	درصد	تعداد	پسر	دختر	مناطق	درصد	تعداد	پسر	دختر
۱	۰/۱۷	۱	۰	۱۰۰	۱۲	۰/۴۹	۴	۷۵	۲۵
۲	۰/۴۶	۳	۳۳/۳۳	۶۶/۶۷	۱۳	۰/۳۹	۳	۳۳/۳۳	۶۶/۶۷
۳	۰/۵۳	۳	۶۶/۶۷	۳۳/۳۳	۱۴	۰/۶۳	۵	۱۰۰	۰
۴	۰/۱۴	۱	۱۰۰	۰	۱۵	۱/۱۷	۱۲	۸۳/۳۳	۱۶/۶۷
۵	۰/۴۳	۳	۱۰۰	۰	۱۶	۰/۹۳	۸	۶۲/۵	۳۷/۵
۶	۰	۰	۰	۰	۱۷	۱/۷۱	۱۵	۴۶/۶۷	۵۳/۳۳
۷	۰/۱۵	۱	۱۰۰	۰	۱۸	۰/۹۴	۱۰	۵۰	۵۰
۸	۰/۱۶	۱	۰	۱۰۰	۱۹	۰/۳	۳	۳۳/۳۳	۶۶/۶۷
۹	۰/۲۶	۲	۱۰۰	۰	۲۰	۰/۵۹	۶	۶۶/۶۷	۳۳/۳۳
۱۰	۰/۵۵	۴	۷۵	۲۵	۲۱	۰/۲۳	۲	۵۰	۵۰
۱۱	۰/۸۵	۶	۵۰	۵۰	۲۲	۰	۰	۰	۰

بیشترین نرخ عدم حضور کودکان ۷ تا ۱۸ سال در مدرسه متعلق به منطقه ۱۷ با ۱/۷۱ درصد، تعداد این کودکان ۱۵ نفر است که ۴۶/۶۷ درصد آنها پسر و ۵۳/۳۳ درصد دختر هستند. در ادامه نمودار مربوط به عدم حضور کودکان در مدرسه و سپس نتایج تخمین مدل برای این شاخص ارائه شده است.

نمودار ۱. نرخ عدم حضور کودکان در مدرسه به تفکیک مناطق ۲۲ گانه شهر تهران



نمودار ۲. نرخ عدم حضور کودکان گروه‌های سنی مختلف در مدرسه به تفکیک مناطق ۲۲ گانه تهران



جدول ۵. نتایج تخمین مدل لاجیت برای عدم حضور کودکان در مدرسه

متغیرها	اثرات نهایی	انحراف معیار	آماره Z	سطح معناداری
education_2	۰.۰۳۱۷	۰.۰۰۹۷	۳.۲۵	۰.۰۰۱
education_3	۰.۰۰۲۶	۰.۰۰۳۱	۰.۸۶	۰.۳۸۹
employ_1	-۰.۰۱۴۶	۰.۰۰۲۸	-۵.۰۸	۰.۰۰۰
violence_1	۰.۰۰۷۲	۰.۰۰۴۳	۱.۶۷	۰.۰۹۵
food_1	۰.۰۰۵۹	۰.۰۰۲۶	۲.۳	۰.۰۲۲
sex_1	۰.۰۱۴۲	۰.۰۰۶۳	۲.۲۴	۰.۰۲۵
north	-۰.۰۰۲۲	۰.۰۰۴۶	-۰.۴۹	۰.۶۲۱
south	۰.۰۱۳۳	۰.۰۰۴۳	۳.۰۸	۰.۰۰۲
east	۰.۰۰۹۵	۰.۰۰۴۸	۱.۹۸	۰.۰۴۸
west	۰.۰۰۷۴	۰.۰۰۴۸	۱.۵۳	۰.۱۲۵

بنابر یافته‌ها؛ ضرایب تحصیلات سرپرست خانوار در سطح بی‌سوادی، وضعیت اشتغال و جنسیت سرپرست خانوار، ناامنی غذایی، سکونت در جنوب و شرق شهر تهران در سطح اطمینان ۹۵ درصد و ضریب خشونت در خانوار در سطح اطمینان ۹۰ درصد معنادار هستند، تفسیر نتایج به شرح زیر است:

- بی‌سوادی بودن سرپرست خانوار نسبت به تحصیلات دانشگاهی احتمال فقر آموزشی کودکان را ۳/۱ درصد افزایش می‌دهد.

- اگر سرپرست خانوار بیکار باشد احتمال فقر آموزشی کودکان ۱/۴ درصد کاهش می‌یابد.

- وجود خشونت در خانوار احتمال فقر آموزشی کودکان را ۰/۷ درصد افزایش می‌دهد.

- اگر ناامنی غذایی در خانوار وجود داشته باشد احتمال فقر آموزشی کودکان ۰/۵ درصد افزایش می‌یابد.

- زن سرپرست بودن خانوار احتمال فقر آموزشی کودکان را ۱/۴ درصد افزایش می‌دهد.  
- سکونت در جنوب شهر تهران نسبت به سکونت در مرکز این شهر احتمال فقر آموزشی کودکان را ۱/۳ درصد افزایش می‌دهد.

- سکونت در شرق شهر تهران نسبت به سکونت در مرکز شهر احتمال فقر آموزشی کودکان را ۰/۹ درصد افزایش می‌دهد.

(ب) شکاف آموزشی: شکاف آموزشی برای هر مقطع تحصیلی به نسبت کودکانی است که در آن مقطع تحصیل می‌کنند و سن آنها با مقطع تحصیلی آنها مطابقت ندارد (سن آنها سه سال یا بیشتر از سن مناسب برای آن مقطع تحصیلی است) به کل کودکانی که در آن مقطع تحصیل می‌کنند. این شاخص فقر آموزشی کودکانی که مدرسه می‌روند را نشان می‌دهد. در ادامه محاسبات این شاخص به تفکیک در ۲۲ منطقه و نواحی پنج‌گانه شهر تهران ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج شکاف آموزشی مقاطع تحصیلی به تفکیک نواحی شهر تهران

کل	مرکز	غرب	شرق	جنوب	شمال		
۴۸۲	۴۱۲	۳۰۵	۷۴	۴۹۸	۴۹۷	درصد	مهد کودک و پیش‌دستانی
۹۲	۱۷	۱۱	۲۳	۲۵	۱۶	تعداد (نفر)	
۵۷.۶۱	۵۲.۹۴	۷۲.۷۳	۴۷.۸۳	۶۰	۶۲.۵	پسر	
۴۲.۳۹	۴۷.۰۶	۲۷.۲۷	۵۲.۱۷	۴۰	۳۷.۵	دختر	
۳.۷۶	۳.۶۳	۲.۶۲	۳.۹۹	۴.۶۲	۳.۳۱	درصد	ابتدایی
۱۷۷	۳۶	۲۲	۳۵	۶۳	۲۱	تعداد (نفر)	
۵۳.۱۱	۵۵.۵۶	۵۴.۵۵	۴۰	۵۵.۵۶	۶۱.۹	پسر	
۴۶.۸۹	۴۴.۴۴	۴۵.۴۵	۶۰	۴۴.۴۴	۳۸.۱	دختر	
۳.۸۹	۳.۶۴	۲.۴۹	۴.۷۵	۴.۲۶	۴.۰۶	درصد	راهنمایی
۱۶۹	۳۱	۱۹	۳۸	۵۵	۲۶	تعداد (نفر)	
۵۵.۰۹	۴۶.۶۷	۴۲.۱۱	۶۳.۱۶	۶۱.۱۱	۵۰	پسر	
۴۴.۹۱	۵۳.۳۳	۵۷.۸۹	۳۶.۸۴	۳۸.۸۹	۵۰	دختر	
۳.۴۴	۲.۷۳	۲.۱۴	۳.۸۸	۵.۱۷	۲.۱۲	درصد	دبیرستان
۱۷۶	۲۹	۱۹	۳۸	۷۴	۱۶	تعداد (نفر)	

کل	مرکز	غرب	شرق	جنوب	شمال		
۶۰.۲۳	۵۸.۶۲	۵۲.۶۳	۷۱.۰۵	۶۲.۱۶	۳۷.۵	پسر	
۳۹.۷۷	۴۱.۳۸	۴۷.۳۷	۲۸.۹۵	۳۷.۸۴	۶۲.۵	دختر	

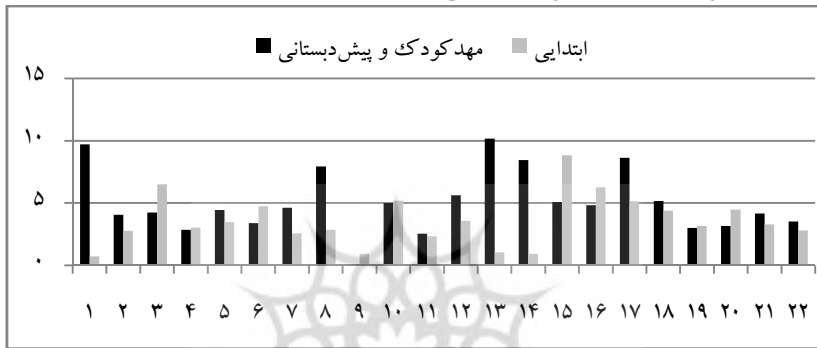
بیشترین نرخ شکاف آموزشی مهد کودک و پیش دبستانی برای شرق تهران با ۷/۴ درصد است. نرخ این شکاف در کل شهر تهران ۴/۸۲ درصد، تعداد این کودکان ۹۲ نفر است که ۵۷/۶۱ درصد آنها پسر و ۴۲/۳۹ درصد دختر هستند. در مقطع ابتدایی بیشترین نرخ شکاف آموزشی در جنوب تهران با ۴/۶۲ درصد، این نرخ در کل شهر تهران ۳/۷۶ درصد است، تعداد این کودکان ۱۷۷ نفر است که ۵۳/۱۱ درصد آنها پسر و ۴۶/۸۹ درصد دختر هستند. در مقطع راهنمایی بیشترین شکاف آموزشی متعلق به شرق تهران با ۴/۷۵ درصد است. نرخ این شکاف در کل شهر تهران ۳/۸۹ درصد، تعداد این کودکان ۱۶۹ نفر است که ۵۵/۰۹ درصد آنها پسر و ۴۴/۹۱ درصد دختر هستند. در مقطع دبیرستان نیز بیشترین نرخ شکاف آموزشی در ناحیه جنوب تهران با ۵/۱۷ درصد است، میزان این شکاف در کل شهر تهران ۳/۴۴ درصد، تعداد این کودکان ۱۷۶ نفر است که ۶۰/۲۳ درصد آنها پسر و ۳۹/۷۷ درصد دختر هستند.

جدول ۷. نتایج شکاف آموزشی مقاطع تحصیلی به تفکیک مناطق ۲۲ گانه شهر تهران

ابتدایی		مهد کودک و پیش دبستانی		مناطق	ابتدایی		مهد کودک و پیش دبستانی		مناطق
تعداد	درصد	تعداد	درصد		تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۸	۳.۵۶	۴	۵.۶۳	۱۲	۱	۰.۷۲	۷	۹.۷۲	۱
۲	۱.۰۵	۶	۱۰.۱۷	۱۳	۴	۲.۷۸	۳	۴.۰۵	۲
۲	۰.۹۲	۶	۸.۴۵	۱۴	۱۰	۶.۴۹	۳	۴.۲۳	۳
۲۶	۸.۸۴	۶	۵.۰۸	۱۵	۶	۳.۰۳	۳	۲.۸۶	۴
۱۶	۶.۲۷	۳	۴.۸۴	۱۶	۷	۳.۴۸	۴	۴.۴۴	۵
۱۱	۵.۱۴	۱۰	۸.۶۲	۱۷	۷	۴.۷۸	۲	۳.۳۹	۶
۱۴	۴.۳۹	۵	۵.۱۵	۱۸	۵	۲.۵۶	۳	۴.۶۲	۷
۹	۳.۱۵	۳	۳	۱۹	۵	۲.۸۶	۵	۷.۹۴	۸
۱۳	۴/۴۸	۴	۳.۱۵	۲۰	۲	۰.۹۳	۰	۰	۹
۷	۳.۳	۴	۴.۱۷	۲۱	۱۱	۵.۱۹	۵	۵	۱۰
۶	۲.۸	۳	۳.۵۳	۲۲	۵	۲.۳۴	۳	۲.۵۴	۱۱

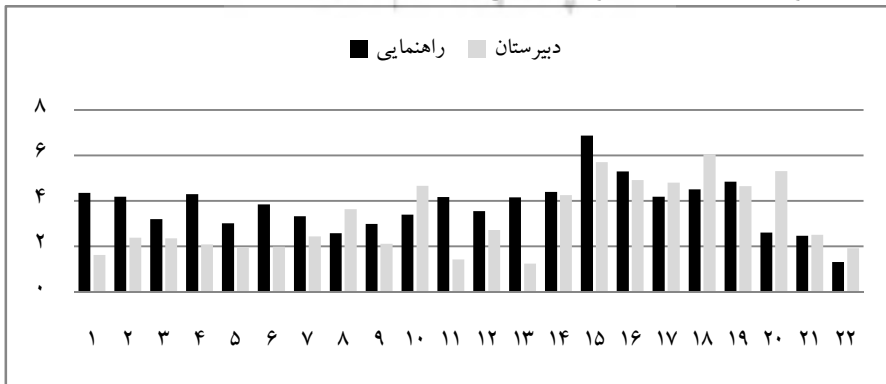
بنابر یافته‌ها، منطقه ۱۳ با ۱۰/۱۷ درصد بیشترین نرخ شکاف آموزشی مهد کودک و پیش دبستانی را دارد، تعداد این کودکان ۶ نفر است، بیشترین نرخ شکاف آموزشی مقطع ابتدایی متعلق به منطقه ۱۵ با ۸/۸۴ درصد، تعداد این کودکان ۲۶ نفر است. نتایج فوق در نمودار ۳ مشاهده می‌شود.

نمودار ۳. شکاف آموزشی مقاطع تحصیلی به تفکیک مناطق شهر تهران



بنابر نتایج جدول ۳ پیوست که نمودار آن در زیر مشاهده می‌شود، بیشترین نرخ شکاف آموزشی مقطع راهنمایی متعلق به منطقه ۱۵ با ۶/۸۸ درصد، تعداد این کودکان ۱۷ نفر است. بیشترین نرخ شکاف آموزشی مقطع دبیرستان در منطقه ۱۸ با ۶/۰۶ درصد، تعداد این کودکان ۱۸ نفر است.

نمودار ۴. نرخ شکاف آموزشی مقاطع تحصیلی به تفکیک مناطق ۲۲ گانه شهر تهران



جدول ۸. نتایج تخمین مدل لاجیت برای شکاف آموزشی کودکان

متغیر	اثرات نهایی	انحراف معیار	آماره Z	سطح معناداری
education_2	۰.۱۳۹۵	۰.۰۳۸	۳.۶۷	۰.۰۰۰
education_3	۰.۰۱۴۷	۰.۰۰۷۷	۱.۸۹	۰.۰۵۹
employ_1	-۰.۰۲۲۱	۰.۰۰۷۵	-۲.۹۵	۰.۰۰۳
food_1	۰.۰۱۲۹	۰.۰۰۶۸	۱.۹۰	۰.۰۵۷
disable_1	۰.۰۱۸۲	۰.۰۱۰۲	۱.۷۹	۰.۰۷
age	۰.۰۰۱۷	۰.۰۰۰۳	۵.۰۷	۰.۰۰۰
sex_1	۰.۰۰۳۹	۰.۰۰۴۱۶	۱.۷۷	۰.۰۷۶
addiction_1	-۰.۰۰۳۸	۰.۰۱۹۴	-۰.۲۰	۰.۸۴۲
north	-۰.۰۰۳۷	۰.۰۱۰۹	-۰.۳۵	۰.۷۲۹
south	۰.۰۰۱۶	۰.۰۰۹۱	۰.۱۸	۰.۸۶
east	۰.۰۰۱۴	۰.۰۰۱	۰.۱۴	۰.۸۸۸
west	-۰.۰۰۰۴	۰.۰۰۱	-۰.۴۰	۰.۶۸۹

نتایج حاصل از تخمین مدل بیانگر این است که ضرایب تحصیلات سرپرست در سطح بی‌سوادی، وضعیت اشتغال و سن سرپرست خانوار در سطح اطمینان ۹۵ درصد و ضرایب تحصیلات سرپرست در سطح زیر دیپلم، ناامنی غذایی، جنسیت سرپرست و فرد معلول در خانوار در سطح اطمینان ۹۰ درصد معنادار هستند، سایر ضرایب معنادار نیستند. نتایج به شرح زیر ارائه می‌شود:

- با کاهش سال‌های آموزش سرپرست خانوار احتمال شکاف آموزشی کودکان افزایش می‌یابد. به طوری که بی‌سوادی سرپرست خانوار نسبت به تحصیلات دانشگاهی احتمال شکاف آموزشی کودکان را ۱۳/۹ درصد افزایش و زیر دیپلم بودن تحصیلات سرپرست نسبت به تحصیلات دانشگاهی احتمال شکاف آموزشی کودکان را ۱/۴ درصد افزایش می‌دهد.
- بیکار بودن سرپرست خانوار احتمال شکاف آموزشی کودکان را ۲/۲ درصد کاهش می‌دهد.
- اگر ناامنی غذایی در خانوار وجود داشته باشد احتمال شکاف آموزشی کودکان ۱/۲ درصد افزایش می‌یابد.
- وجود فرد معلول در خانوار احتمال شکاف آموزشی کودکان را ۱/۸ درصد افزایش می‌دهد.

- به ازای هر یک سال افزایش سن سرپرست خانوار احتمال شکاف آموزشی کودکان ۰/۱ درصد افزایش می‌یابد.

- اگر خانوار زن سرپرست باشد احتمال شکاف آموزشی کودکان ۷/۳ درصد افزایش می‌یابد.

## ۲-۸. اطلاعات

در این بعد دسترسی به سه مؤلفه تلفن ثابت، موبایل و کامپیوتر برای گروه سنی ۷ تا ۱۸ مدنظر قرار گرفته است. در جدول ۴ پیوست تصویری از کودکان ۷ تا ۱۸ سال ارائه شده است. در ادامه محاسبات مربوط به عدم دسترسی کودکان به هر کدام از مؤلفه‌های ذکر شده به تفکیک نواحی و مناطق شهر تهران ارائه شده است.

جدول ۹. نرخ فقر اطلاعاتی کودکان ۷ تا ۱۸ سال به تفکیک نواحی شهر تهران

نواحی						نرخ فقر اطلاعاتی
کل	مرکز	غرب	شرق	جنوب	شمال	
۴.۲۹	۳.۲۸	۱.۸۴	۴.۴۷	۷.۶	۲.۰۶	عدم دسترسی کودکان به تلفن ثابت
۵.۳۱	۵.۳۵	۳.۶۴	۴.۵۶	۸.۰۳	۲.۹۷	عدم دسترسی کودکان به موبایل
۳۳.۳۹	۲۹.۵۶	۲۵.۰۳	۳۳/۵۲	۴۷.۷۹	۲۰.۶۵	عدم دسترسی کودکان به کامپیوتر
۰.۲۸	۰.۲۶	۰.۰۳	۰.۳۷	۰.۵۲	۰.۰۴	عدم دسترسی به تلفن ثابت، موبایل و کامپیوتر

یافته‌های جدول ۹ نشان می‌دهد که بیشترین نرخ عدم دسترسی کودکان به تلفن ثابت در جنوب تهران با ۷/۶ درصد و کمترین در غرب تهران با ۱/۸۴ درصد است، این نرخ در کل شهر تهران ۴/۲۹ درصد است. بیشترین نرخ عدم دسترسی به موبایل در جنوب شهر با ۸/۰۳ درصد و کمترین متعلق به شمال تهران با ۲/۹۷ درصد است، این نرخ در کل شهر تهران ۵/۳۱ درصد است. ۴۷/۷۹ درصد کودکان جنوب و ۳۳/۳۹ درصد از کل کودکان شهر تهران از دسترسی به کامپیوتر محروم هستند. بیشترین نرخ کودکانی که به شدت محروم هستند و به هیچ کدام از سه مؤلفه تلفن ثابت، کامپیوتر و موبایل دسترسی ندارند در جنوب شهر تهران با ۰/۵۲ درصد، کمترین در غرب با ۰/۰۳ درصد و در کل شهر تهران ۰/۲۸ درصد است.

جدول ۱۰. نرخ فقر اطلاعاتی کودکان ۷ تا ۱۸ سال به تفکیک مناطق ۲۲ گانه شهر تهران

مناطق	عدم دسترسی کودکان به تلفن ثابت	عدم دسترسی کودکان به موبایل	مناطق	عدم دسترسی کودکان به تلفن ثابت	عدم دسترسی کودکان به موبایل
۱	۱۰۴	۴۳۳	۱۲	۵۱۶	۴۶۷
۲	۲۶	۱۵۳	۱۳	۰۷۸	۳۱۲
۳	۲۸۳	۲۳	۱۴	۲۶۶	۵۷
۴	۱۷۸	۳۶۹	۱۵	۱۰۱۱	۶۸
۵	۰۸۶	۴۸۷	۱۶	۷۴۲	۷۵۶
۶	۱۲۸	۲۳۸	۱۷	۷۵۴	۷۸۹
۷	۲۰۴	۵۴	۱۸	۵۹۲	۸۳۶
۸	۱۹۶	۱۱۴	۱۹	۷۵۸	۳۵۹
۹	۳۶۶	۳۹۳	۲۰	۹۵۸	۱۲۵۴
۱۰	۳۰۲	۷۱۴	۲۱	۱۱۷	۳۱۷
۱۱	۴۱۱	۶۵۲	۲۲	۱۶۲	۲۶۵

بیشترین نرخ عدم دسترسی به تلفن ثابت در منطقه ۱۵ با ۱۰/۱۱ درصد و بیشترین نرخ عدم دسترسی به موبایل در منطقه ۲۰ با ۱۲/۵۴ درصد است. یافته‌های جدول ۵ در پوست بیانگر این است که بیشترین نرخ عدم دسترسی به کامپیوتر در منطقه ۱۸ با ۵۱/۰۳ درصد و کمترین آن در منطقه ۲ با ۱۳/۱۳ درصد است. بیشترین نرخ عدم دسترسی به تلفن ثابت، موبایل و کامپیوتر در منطقه ۱۵ با ۱/۰۷ درصد است.

جدول ۱۱. نتایج تخمین مدل لاجیت برای فقر اطلاعاتی کودکان

متغیرها	تأثیرات نهایی	انحراف معیار	آماره Z	سطح معناداری
education_2	۰۰۵۳۷۶	۰۰۱۴۵	۳۶۸۴	۰۰۰۰
education_3	۰۰۲۳۸۳	۰۰۰۹۷۹	۲۴۳۵	۰۰۰۰
employ_1	۰۰۱۰۸۵	۰۰۲۰۶	۵۲۷	۰۰۰۰
disable_1	-۰۰۶۰۳	۰۰۱۱۹	-۵۰۷	۰۰۰۰
addiction_1	۰۰۳۷۳	۰۰۰۹۷	۳۸۲	۰۰۰۰
sex_1	۰۰۴۷۳	۰۰۳۶۶	-۱۲۹	۰۱۹۶
food_1	۰۰۱۶۹۷	۰۰۰۸۷	۱۹۳۶	۰۰۰۰
north	-۰۰۵۵۱	۰۰۱۴۷	-۳۷۴	۰۰۰۰
south	۰۰۱۳۹۴	۰۰۱۲۸	۱۰۸۹	۰۰۰۰



متغیرها	تأثیرات نهایی	انحراف معیار	آماره Z	سطح معناداری
east	۰.۰۲۷۲	۰.۰۱۳۷	۱۰	۰.۰۴۸
west	-۰.۰۶۸۰	۰.۰۱۳۴	-۵.۰۴	۰.۰۰۰

یافته‌های حاصل از تخمین مدل نشان می‌دهد که جز ضریب مربوط به جنسیت سرپرست خانوار بقیه ضرایب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار هستند، تفسیر نتایج به شرح ذیل است:

- با کاهش سال‌های آموزش سرپرست خانوار احتمال فقر اطلاعاتی کودکان افزایش می‌یابد. به طوری که بی‌سواد بودن سرپرست خانوار نسبت به سطح سواد دانشگاهی احتمال فقر اطلاعاتی کودکان را ۵۳/۷ درصد افزایش و زیر دیپلم بودن تحصیلات سرپرست نسبت به سطح سواد دانشگاهی احتمال فقر اطلاعاتی کودکان را ۲۳/۸ درصد افزایش می‌دهد.
- اگر سرپرست خانوار بیکار باشد احتمال فقر اطلاعاتی کودکان ۱۰/۸ درصد افزایش می‌یابد.
- وجود فرد معلول در خانوار احتمال فقر اطلاعاتی کودکان را ۶ درصد کاهش می‌دهد.
- اگر فرد معتاد در خانوار وجود داشته باشد احتمال فقر اطلاعاتی کودکان ۳/۷ درصد افزایش می‌یابد.
- اگر ناامنی غذایی در خانوار وجود داشته باشد احتمال فقر اطلاعاتی کودکان ۱۶/۹ درصد افزایش می‌یابد.
- سکونت در شمال شهر تهران نسبت به سکونت در مرکز این شهر احتمال فقر اطلاعاتی کودکان را ۵/۵ درصد کاهش می‌دهد.
- سکونت خانوار در جنوب شهر تهران نسبت به سکونت در مرکز شهر احتمال فقر اطلاعاتی کودکان را ۱۳/۹ درصد افزایش می‌دهد.
- سکونت خانوار در شرق شهر تهران نسبت به سکونت در مرکز شهر احتمال فقر اطلاعاتی کودکان را ۲/۷ درصد افزایش می‌دهد.
- سکونت خانوار در غرب شهر تهران نسبت به سکونت در مرکز شهر احتمال فقر اطلاعاتی کودکان را ۶/۸ درصد کاهش می‌دهد.

## ۹. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان می‌دهد در سن ۷ تا ۱۱ سال ۱/۴ درصد از کودکان منطقه ۱۸، ۱۲ تا ۱۴ سال ۱/۴۶

درصد از کودکان منطقه ۱۴، ۱۵ تا ۱۷ سال ۳/۰۸ درصد و در سن ۷ تا ۱۸ سال ۱/۷۱ درصد از بچه‌های منطقه ۱۷ در مدرسه حضور ندارند. ۳۱ درصد از کودکان ۴ تا ۶ سال منطقه ۱۶ شهر تهران در مهد کودک و پیش دبستانی ثبت نام نکرده‌اند که بیشترین نرخ عدم حضور را در بین مناطق دارند. محرومیت آموزشی سرپرست خانوار، وجود فرد معلول و ناامنی غذایی در خانوار، همچنین سکونت در جنوب و شرق شهر تهران از عوامل ایجاد فقر آموزشی کودکان است.

بیشترین نرخ شکاف آموزشی در مقطع ابتدایی (۸/۸۴ درصد) و راهنمایی (۶/۸۸ درصد) برای منطقه ۱۵ و در مقطع دبیرستان (۶/۰۶ درصد) در منطقه ۱۸ است. محرومیت آموزشی، بیکار بودن، زن سرپرست بودن و افزایش سن سرپرست خانوار، وجود ناامنی غذایی و فرد معلول در خانوار از مهم‌ترین عوامل ایجاد شکاف آموزشی برای کودکان است.

آموزش و پرورش به‌عنوان ابزار توانمندسازی افراد، امکان دسترسی به امکانات و فرصت‌ها را برای اقشار فقیر فراهم آورد؛ بنابراین آموزش کودکان یک سازوکار مهم برای شکستن چرخه فقر است؛ و اگر به دنبال ریشه کن کردن این پدیده دردناک هستیم، باید به‌طور ویژه به آموزش کودکان توجه کنیم. با توجه به عوامل مؤثر بر محرومیت آموزشی کودکان و اینکه کودکان جنوب تهران و مناطق ۱۵، ۱۶ و ۱۷ بیشترین محرومیت آموزشی را دارند، امید است مسئولان با طراحی سیاست‌های هدفمند در جهت حل مسئله اقدام کنند.

نتایج بیانگر این است که ۰/۵ درصد از کودکان جنوب شهر تهران و ۱/۰۷ درصد از کودکان ۷ تا ۱۸ سال منطقه ۱۵ شهر تهران به هیچ‌کدام از سه مؤلفه تلفن ثابت، موبایل یا کامپیوتر دسترسی ندارند که این آمار بیانگر فقر شدید اطلاعاتی در این مناطق است. محرومیت آموزشی و بیکار بودن سرپرست، وجود فرد معتاد و ناامنی غذایی در خانوار، سکونت در جنوب و شرق شهر تهران از عوامل ایجاد فقر اطلاعاتی هستند. با توجه به اینکه جنوب تهران و منطقه ۱۵ بیشترین محرومیت را در این زمینه دارند شایسته است که مسئولان به‌طور ویژه جهت فقرزدایی این مناطق اقدام کنند. سرمایه‌گذاری بر سرمایه‌های انسانی کشور از راهی جز رسیدگی به کیفیت زندگی کودکان میسر نیست؛ بنابراین ضروری است مبارزه با فقر کودکان از سوی سیاستگذاران و طراحان استراتژی‌های توسعه کشور به‌عنوان یکی از محورهای اصلی و خاص برنامه‌ها مورد توجه قرار گیرد. اختصاص منابع عمومی و سرمایه‌گذاری در بخش آموزش و پرورش با تمرکز بر مناطق ذکر شده که محرومیت بیشتری دارند یک ابزار محوری برای فقرزدایی است.

**پیوست**

**جدول ۱ پیوست. تعداد و درصد کودکان ۴ تا ۱۸ سال به تفکیک نواحی شهر تهران**

نواحی	پسر		دختر		کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
شمال	۱۵۴۵	۵۱/۹۹	۱۴۲۷	۴۸/۰۱	۲۹۷۲	۱۰۰
جنوب	۳۰۳۳	۵۱/۳۹	۲۸۶۹	۴۸/۶۱	۵۹۰۲	۱۰۰
شرق	۱۹۷۵	۵۱/۷۶	۱۸۴۱	۴۸/۲۴	۳۸۱۶	۱۰۰
غرب	۱۸۶۳	۵۲	۱۷۲۰	۴۸	۳۵۸۳	۱۰۰
مرکز	۲۱۷۳	۵۱/۷۳	۲۰۲۸	۴۸/۲۷	۴۲۰۱	۱۰۰
کل	۱۰۵۸۹	۵۱/۷۲	۹۸۸۵	۴۸/۲۸	۲۰۴۷۴	۱۰۰

**جدول ۲ پیوست. نتایج عدم حضور کودکان در مدرسه به تفکیک مناطق ۲۲ گانه شهر تهران**

مناطق	سال ۱۲ تا ۱۴ سال		سال ۱۵ تا ۱۷ سال		مناطق	سال ۱۲ تا ۱۴ سال		سال ۱۵ تا ۱۷ سال	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد		تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	۰	۰	۱	۰.۵۴	۱۲	۰	۰	۱	۰.۷۸
۲	۰	۰	۲	۰.۹۸	۱۳	۰	۰	۲	۱.۱۹
۳	۰	۰	۳	۱.۴۶	۱۴	۱	۰.۵۸	۰	۰
۴	۲	۰.۷۱	۲	۰.۸۳	۱۵	۰	۰	۱	۰.۵۳
۵	۱	۰.۴۱	۲	۰.۸۹	۱۶	۲	۱.۰۸	۱	۰.۵۴
۶	۷	۳.۰۸	۲	۰.۹۳	۱۷	۰	۰	۰	۰
۷	۳	۱.۱۶	۱	۰.۴	۱۸	۰	۰	۰	۰
۸	۱	۰.۳۷	۰	۰	۱۹	۰	۰	۰	۰
۹	۱	۰.۳۹	۲	۰.۷۳	۲۰	۰	۰	۰	۰
۱۰	۱	۰.۴۷	۰	۰	۲۱	۱	۰.۵۱	۱	۰.۵۸
۱۱	۰	۰	۰	۰	۲۲	۲	۰.۹۵	۱	۰.۶۵

**جدول ۳ پیوست. نتایج شکاف آموزشی مقاطع تحصیلی به تفکیک مناطق ۲۲ گانه شهر تهران**

مناطق	راهنمایی		مناطق	دبیرستان		راهنمایی		دبیرستان	
	تعداد	درصد		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	۶	۴.۳۵	۱۲	۷	۳.۵۵	۳	۱.۶۲	۷	۲.۷۲
۲	۷	۴.۱۹	۱۳	۸	۴.۱۵	۵	۲.۳۸	۳	۱.۲۴
۳	۴	۳.۲	۱۴	۹	۴.۳۹	۴	۲.۳۵	۱۱	۴.۲۵
۴	۹	۴.۲۹	۱۵	۱۷	۶.۸۸	۴	۲.۰۹	۱۸	۵.۷۱
۵	۵	۳.۰۱	۱۶	۱۲	۵.۲۹	۴	۱.۹۵	۱۳	۴.۹۲
۶	۵	۳.۸۵	۱۷	۱۰	۴.۱۸	۳	۱.۹۹	۱۲	۴.۸

دیپروستان		راهنمایی		مناطق	دیپروستان		راهنمایی		مناطق
تعداد	درصد	تعداد	درصد		تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۱۸	۶.۰۶	۱۲	۴.۵۱	۱۸	۵	۲.۴۳	۶	۳.۳۳	۷
۱۴	۴.۶۵	۱۴	۴.۸۴	۱۹	۶	۳.۶۴	۴	۲.۵۸	۸
۱۷	۵.۳۱	۷	۲.۶	۲۰	۵	۲.۱۱	۶	۲.۹۹	۹
۶	۲.۵۱	۶	۲.۴۶	۲۱	۱۱	۴.۶۶	۶	۳.۳۹	۱۰
۴	۱.۹۲	۲	۱.۳۱	۲۲	۳	۱.۴۲	۷	۴.۱۷	۱۱

جدول ۴ پیوست. تعداد و درصد کودکان ۷ تا ۱۸ سال شهر تهران به تفکیک نواحی

کل		دختر		پسر		نواحی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰۰	۲۵۲۳	۴۸	۱۲۱۱	۵۲	۱۳۱۲	شمال
۱۰۰	۴۷۸۴	۴۸.۶۶	۲۳۲۸	۵۱.۳۴	۲۴۵۶	جنوب
۱۰۰	۳۱۹۶	۴۷.۹۷	۱۵۳۳	۵۲.۰۳	۱۶۶۳	شرق
۱۰۰	۲۹۷۷	۴۸.۲۷	۱۴۳۷	۵۱.۷۳	۱۵۴۰	غرب
۱۰۰	۳۴۶۹	۴۷.۸۸	۱۶۶۱	۵۲.۱۲	۱۸۰۸	مرکز
۱۰۰	۱۶۹۴۹	۴۸.۲	۸۱۷۰	۵۱.۸	۸۷۷۹	کل

جدول ۵ پیوست. نرخ فقر اطلاعاتی کودکان ۷ تا ۱۸ سال به تفکیک مناطق ۲۲ گانه شهر تهران

مناطق	عدم دسترسی کودکان به تلفن ثابت، موبایل و کامپیوتر	مناطق	عدم دسترسی کودکان به تلفن ثابت، موبایل و کامپیوتر	مناطق	عدم دسترسی کودکان به تلفن ثابت، موبایل و کامپیوتر
۱	۱۸.۵۴	۱۲	۳۵.۸۷	۰.۷۴	عدم دسترسی کودکان به تلفن ثابت، موبایل و کامپیوتر
۲	۱۳.۱۳	۱۳	۲۳.۱۵	۰	عدم دسترسی کودکان به تلفن ثابت، موبایل و کامپیوتر
۳	۱۵.۹۳	۱۴	۳۱.۰۱	۰.۱۳	عدم دسترسی کودکان به تلفن ثابت، موبایل و کامپیوتر
۴	۳۲.۶۹	۱۵	۵۰.۰۵	۱.۰۷	عدم دسترسی کودکان به تلفن ثابت، موبایل و کامپیوتر
۵	۱۹.۲	۱۶	۴۹.۳۶	۰	عدم دسترسی کودکان به تلفن ثابت، موبایل و کامپیوتر
۶	۱۴.۶۵	۱۷	۴۸.۳۴	۰.۸	عدم دسترسی کودکان به تلفن ثابت، موبایل و کامپیوتر
۷	۲۴.۲۳	۱۸	۵۱.۰۳	۰.۵۶	عدم دسترسی کودکان به تلفن ثابت، موبایل و کامپیوتر
۸	۲۲.۰۲	۱۹	۴۹.۲	۰.۴	عدم دسترسی کودکان به تلفن ثابت، موبایل و کامپیوتر
۹	۳۵.۰۸	۲۰	۴۱.۱۶	۰.۷۹	عدم دسترسی کودکان به تلفن ثابت، موبایل و کامپیوتر
۱۰	۳۷.۷۷	۲۱	۲۶.۱۷	۰	عدم دسترسی کودکان به تلفن ثابت، موبایل و کامپیوتر
۱۱	۳۰.۵	۲۲	۱۸.۲۹	۰	عدم دسترسی کودکان به تلفن ثابت، موبایل و کامپیوتر

## منابع و مأخذ

۱. قران کریم.
۲. ابونوری، عباسعلی و فهیمه محمدحسینی (۱۳۹۰). «بررسی میزان فقر مطلق با محوریت کودکان در بین خانوارهای شهر تهران»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، ش ۴۵.
۳. راغفر، حسین و مریم شیرزاد مقدم (۱۳۸۹). «سیمای فقر کودکان در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، ش ۳۵.
۴. عباسیان، عزت‌اله و میثم نسرین دوست (۱۳۸۹). «فقر کودک: تعریف و تجربه‌ها»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، ش ۵۰.
۵. گجراتی، دامودار (۱۳۸۹). *مبانی اقتصادسنجی*، ترجمه حمید ابریشمی، چاپ نهم، انتشارات دانشگاه تهران.
6. Alkier, S. and Jame Foster (2007). "Counting and Multidimensional Poverty Measure", OPHI Working Paper Series, [www.ophi.org.uk](http://www.ophi.org.uk).
7. Archer, K. J. and S. Lemeshow (2006). "Goodness-of-fit test for a Logistic Regression Model Fitted Using Survey Sample Data", *The Stata Journal* 6, No. 1.
8. \_\_\_\_\_ (2002). "Country overviews, Childhood Poverty Research and Policy Centre (CHIP)", London, <http://www.childhoodpoverty.org>.
9. CHIP (2004). "Children and Poverty-sum Question Answerd", In Child Poverty, CHIP Briefing1, London.
10. CIDA. (2004). "Child Protection", Canada International Development Agency, Quebec, website: <http://www.acdi-cida.gc.ca/childprotection>, 8.
11. Delamonica, E., A. Minujin, A. Davidziuk and D. G. Edward (2006). "Children Living in Poverty: Overview of Definitions, Measurements and Policies", United Nations Children's Fund (UNICEF), Global Policy Section, New York.
12. Foster, J., J. Greer, E. Thorbecke (2010). "The Foster-Greer-Thorbecke (FGT) poverty measures: 25 years later", *Journal of Economic Inequality*.
13. Laderchi, Caterina, Ruhi Saith and Frances Stewart (2003). *Does it Matter that we don't Agree on the Definition of Poverty?, A Comparison of four Approaches*, Queen Elizabeth House, University of Oxford.
14. Maalouf, M., and T. B. Trafalis (2011). "Robust Weighted kernel Logistic Regression in Imbalanced and Rare events Data", *Computational Statistics and Data Analysis*, Vol. 55, Issue1.
15. Minujin, A., E. Delamonica, A. Davidziuk and E. Gonzalez (2006). "The definition of Child Poverty: a Discussion of Concepts and Measurements", *International Institute for Environment and Development (IIED)*, Vol. 18.
16. \_\_\_\_\_ (2005). *Children Living in Poverty, A Review of Child Poverty Definitions, Measurements, and Policies*, Graduate Program in International Affairs, New School University.
17. OHCHR (2002). *Draft Guidelines: A Human Rights Approach to Poverty Reduction Strategies*, UN, New York.

18. Sen, A. (1999). *Development as Freedom*, Random House, New York, NY.
19. Siaens, C. and Q. Wodon (2001). *Access to Basic Infrastructure Services, Poverty and Inequality*, World Bank, Washington, D. C. Processed.
20. Smith, D. and D. Laws (2012). "Measuring Child Poverty: A Consultation on Better Measure of Child Poverty", Presented to Parliament by the Secretary of State for Work and Pensions by Command of Her Majesty, Cm8483, £10.75.
21. Townsend, P. (1979). "Poverty in United Kingdom", Marmonds Worth, Middlesex, Penguin Books.
22. \_\_\_\_\_ (1987). "Deprivation", *Journal of Social Policy*, 16(2).
23. UNDP. (2004). "Dollar a day, how much does it say? ", In Focus, an online bulletin of the UNDP International Poverty Centre (IPC), September, New York.
24. UNICEF(2005). "The State of the World of the Children-Childhood under Threat", UNICEF, New York.
25. Young, Lives (2004). "India: Development Trends and the Questions they Raise for the Young Lives Project", [http://www.young\\_lives.org.uk /data/focus/index.htm](http://www.young_lives.org.uk /data/focus/index.htm).

